

منتظر جهان وراز طول عمر



سید احمد علم الہدی

منتظر جهان و راز طول عمر

به قلم سيد احمد علم الهدى

آنچه در این کتاب می‌خوانید:

- پیشگفتار..... ۴
- اسلام و دانش..... ۶
- مسیر و ماده خورشید از نظر قرآن..... ۷
- سازش علم و دین..... ۹
- علی (ع) و حرکت زمین..... ۱۲
- علت انتخاب دانشمندان انگلیسی مذهب شیعه را..... ۱۲
- سخنرانی حضرت علی (ع) از نظر یک دانشمند مسیحی..... ۱۴
- کشف کرات آسمان و نیروی جاذبه از بیان حضرت علی (ع)..... ۱۴
- ماده خورشید در بیان حضرت علی (ع)..... ۱۵
- کشف میکروب وبا به وسیله امام سجاد (ع)..... ۱۶
- علم شیمی و امام صادق (ع)..... ۱۷
- مقام علمی اما صادق (ع) از بیان یک دانشمند سنی..... ۱۹
- رمز غیبت امام زمان (ع)..... ۱۹
- تنازع در بقاء یا مشکل طول عمر..... ۲۱
- سلول..... ۲۸

۲۸	پلازما.....
۲۸	غشاء - هسته - سیتوپلاسم.....
۲۹	بدل مایتحلل.....
۳۴	غذای لازم.....
۳۴	گلوکید.....
۳۴	مواد چربی.....
۳۵	پروتئین.....
۳۵	مواد معدنی.....
۳۶	آب.....
۳۶	ویتامین ها.....
۳۹	هوای لازم.....
۴۲	خواب لازم.....
۴۴	سموم بدن.....
۴۹	مردوخ و طول عمر امام زمان(ع).....
۵۰	دانشمندان سنی و دیر زیستن مهدی موعود.....
۵۷	گفتار پروفیسور هانری کرین درباره اثر اعتقاد به وجود امام غائب.....

پیشگفتار

در دنیایی که ما زندگی می‌کنیم مراتب علم و دانش به درجه ترقی و تکامل رسیده است و از نظر شئون مادی آن بر پیشرفت و تمدن افراد جهان افزوده می‌گردد و مردم دنیا بر اثر پیشرفت علم مجهزترین زندگی ماشینیسیم را برای خود تامین نموده‌اند.

ما هنگامی که از نظر شئون مادی دنیای روز را مورد بررسی قرار می‌دهیم ملاحظه می‌کنیم علاوه بر اینکه بشر از مزایای زندگی در کره خاک کاملاً برخوردار است و از جمیع خصوصیات مکونه در کره زمین حداکثر بهره‌برداری را می‌کند درعین حال مایل است بر کرات ماوراء این کره دست پیدا کند و با ساختن آپولوهای متعدد و تشکیل ایستگاه‌های فضایی در نظر دارد سایر کرات جوی را در تحت استخدام خود در آورد این تعالی و پیشرفت ملل غرب آنچنان در نظر بعضی خیره‌کننده است و در خود احساس حقارت می‌کنند که نسبت به امور اعتقادی خویش پشت‌پا زده و فکر می‌کنند این عقاید موجب عقب‌افتادگی آنان شده است غافل از اینکه عقاید دینی مربوط به شئون معنوی و تامین جهات انسانیت افراد است و همان ملل مترقی که فاقد اینگونه شئون روحانی هستند هرچه از نظر مادی تا مراحل نهایی ترقی قدم گذارده و لی از جهات انسانیت و سجایای اخلاقی بکلی بی‌بهره بوده و آن به آن سوی انحطاط و سقوط گام برمی‌دارند.

همان آمریکای متمدنی که انسان در کره ماه پیاده می‌کند قدرت کنترل فساد اخلاقی اجتماع را ندارد و لحظه‌ای قادر نیست از جنایات متجاوزین و سرقت گانگسترها و بزه‌کاری جوان‌های

شهوتران جلوگیری کند. چون ضامن اجرای جهات اخلاقی که عبارت از عقاید مقدس اسلامی است در بین این ملت و جامعه وجود ندارد عموم پیروان اسلام و کتب تشیع به ویژه نسل جوان عزیز ما باید توجه داشته باشند که پابندی به عقاید اسلامی و عمل نمودن به فرامین بزرگ برنامه تدوینی جهان مسلمان (قرآن مجید) بزرگ ضامن اجرای سعادت و خوشبختی انسان است.

باید متوجه بود که خوشبختانه عقاید اسلامی ما موافق با قواعد اسلامی علم بوده و هر ا اندازه‌ای که بر ترقی علم و دانش در جهان افزوده گردد عظمت اسلام پدیدارتر خواهد گردید. هم اکنون در این جزء مختصر پاره‌ای در پیرامون عظمت علمی اسلام و مکتب تشیع سخن گفته و یکی از شبهاتی را که ممکن است در بعضی از مغزهای ناپخته جولان داشته باشد (موضوع طول عمر مهدی موعود اسلام) طرح نموده و در آن باره مطالبی را به عرض خوانندگان ارجمند می‌رسانم و امیدوارم این خدمت ناچیز مورد نظر بزرگ رهبر معنوی جهان (بقیه الله فی العرضین) و عطف توجه عموم سروران دانشمندم قرار گیرد.

مشهد- سید احمد علم الهدی

اسلام و دانش

هنگامی که ما درست نهضت علمی جهان را دقت می‌کنیم ریشه اساس آن را در تعالیم عالیه اسلام خواهیم دید، زیرا اسلام هنگامی در جهان ظاهر شد که دین به صورت یک سلسله تقلیدهای خشک و بی دلیل در آمده و خرد از نعمت تفکر و تدبر و انتقاد بی بهره مانده بود در زمانی که شعار تمامی پیروان ادیان در شرق و غرب عالم این بود که چراغ خردت را خاموش نما و کور کورانه باور کن «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَائِنَا أُولَٰئِكَ هُمُ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» مائده - ۱۰۴ -

چون به آنها بگویند بیایید به سوی پیغمبر و آنچه نازل شده گویند روشی که پدران خویش را بر آن یافته‌ایم ما را بس است اگرچه پدران‌شان چیزی نمی‌دانستند.

در چنین هنگامی چهره درخشان اسلام هویدا گشت و مردم را از تقلید و انجماد فکری نجات داد و فروغی به افکار انسان‌ها بخشید تا اینکه در روشنایی آن به سوی تعالی علمی گام برداشتند.

اسلام برای ترقی بشر آمده است و قانون مقدم آئین مقدس اسلام بزرگ عاملی است که مراحل تمدن و علم را در میان افراد بشر ترقی می‌دهد.

دین مقدس اسلام یگانه دینی است که با علم توأم است. لذا در اساسنامه این آئین شریف که قرآن مجید است افراد به تحصیل علم و درک حقایق وا داشته می‌شوند «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (المجادله - ۱۱) بالامی برد خداوند درجات کسانی را که ایمان آورده‌اند و افرادی که جوایب دانش و حقیقت گشته‌اند فراگرفتن

علم از نظر اسلام عزیز آنچنان حائز اهمیت است که مرادف ایمان به خدا قرار گرفته، بلکه خداوند در این آیه شریف می‌خواهد بفرماید:

ایمان آن هنگامی دارای ارزش است که با علم توام باشد و ایمان بدون علم موجب رفعت مدارج علیه معنویت نخواهد شد.

اسلام علاوه بر تشویق و واداشتن افراد به تحصیل و درک حقایق خود شالوده غالب مسائل علمی را بیان فرموده است و اینکه پس از گذشت قرون متمادی و پیشرفت علم و دانش افکار بشر برخی از آن مطالب را درک می‌کند.

قرآن مجید در مقام بیان ماده و کیفیت سیر و حرکت خورشید می‌فرماید « وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ » (یس - ۲۸)

خورشید جریان دارد به سوی مکان مستقر که از برای اوست این است اندازه‌گیری خداوندی که عزیز و داناست.

مسیر و ماده خورشید از نظر قرآن؟

در این آیه شریفه ابتدا اشاره به جنس و ماده خورشید می‌کند می‌فرماید:

« وَالشَّمْسُ تَجْرِي (خورشید جریان دارد) و نمی‌فرماید وَالشَّمْسُ نُزُوحٌ أَوْ تَذَهَبٌ (خورشید می‌رود) این جمله می‌رساند که خورشید یک شیء مایع است که لفظ (جریان) نسبت به آن صادق می‌باشد.

دانشمندان روز در این باره چنین نظر می دهند. درجه حرارت سطح خورشید بایستی در حدود ۶۰۰۰ درجه باشد که هیچ کوره‌ای نمی‌تواند به این درجه حرارت برسد.

زیرا در ۶۰۰۰ درجه حرارت تمام موادی که می‌توان با آن کوره ساخت ولو از جمله مواد دیرگداز مثل پلاتین و کربن باشد باز هم نه تنها ذوب می‌شود بلکه به حالت بخار درمی‌آید.

هیچ ماده‌ای در چنین درجه حرارت نمی‌تواند به جز حالت گازی وجود داشته باشد و در سطح خورشید نیز چنین است و همه موارد در آنجا به حالت گازی هستند.

اگر این مطلب برای سطح خورشید صحیح باشد به طریق اولی برای مرکز آن بیشتر صحت دارد زیرا باید اختلاف حرارتی بین مرکز و سطح خورشید موجود باشد.

تا جریان حرارتی از مرکز به سطح خورشید برقرار شود.

مطالعه اوضاع داخل خورشید نشان داده است که درجه حرارت مرکز خورشید به رقم بسیار عظیم ۲۰ میلیون می‌رسد پس به این نتیجه می‌رسیم که خورشید کره بسیار عظیمی از گاز بی‌اندازه داغ است و ما اگر تصور کنیم این گاز بسیار رقیق است تصور غلطی کرده‌ایم.

زیرا در مرکز خورشید فشار شگرف ۱۰ میلیون جو برقرار است و در چنین وضع هرگاز آن اندازه فشرده می‌شود که چگالی آن از مواد مایع عادی به مراتب بالاتر می‌رود.

چگالی متوسط خورشید که از تقسیم وزن کل آن بر حجمش به دست می‌آید $1/41$ برابر چگالی آب است پی به این نتیجه می‌رسیم که ماده خورشید مایعی است از آب به اندازه کمی غلیظ‌تر.

و موضوع دیگری که در این آیه شریفه به آن اشاره شده است مسیر خورشید است که می‌فرماید:

(خورشید جریان دارد به سوی مستقیم)

اخیرا دانشمندان علم هیئت به این حقیقت پی برده و نظر داده‌اند که خورشید در مدار خود با سرعت ۲۰۰۰ کیلومتر در ساعت به شکل مارپیچ به طرف ستاره (وگا) در حرکت است.

سازش علم و دین

حرکتی را که قرآن مجید در عصر تاریک جاهلیت بیان داشته بود در امروز با وسائل مجهز علمی و تلسکوپ‌های قوی و تشکیل رصدخانه‌های بسیار عظیم کشف کرده‌اند.

متأسفانه بعضی از افراد مسلمان که خود را به ظاهر روشنفکر قلمداد می‌کنند بر اثر آشنایی با حقایق قرآن با کمال و بی‌فکری اظهار می‌دارند که احکام اسلامی تمامی جنبه تعبد داشته و عقاید و حقایق اسلامی را علوم پیشرفته روز سازگار نیست روی این حساب علم را از دین جدا بلکه مخالف یکدیگر فرض می‌کنند و تصور می‌کنند که دین مانع پیشرفت علم بوده. از این رو یک دانش‌آموز مسلمان با یاد گرفتن یکی دو مسئله ریاضی و جبر آنالیز و خواندن دو فرضیه از:

(دکارت) و (لاپلاس) و (پاسکال) به کلی نسبت به دین بی‌اعتنا می‌شوند.

غافل از اینکه تمام واقعیت‌های علمی را بایستی در حقایق و تعالیم اسلام جویا شد.

آری باید یک نفر مسلمان بداند که اگر از زیان فلان فیلسوف و دانشمند اروپایی خارج شد که دین با علم سازش ندارد او حق دارد این سخن را بگوید.

زیرا از دین جز یک مشت مزخرفات مسیحیت چیزی دیگری را درک نکرده است و جلوه دین را در پیکره‌های تیره یک مشت کشیش‌ها و کاردینال‌ها و پاپ‌های ستمکار جاهل دیده است. که همواره با علم و پیشرفت دانش مبارزه می‌کرده‌اند. متأسفانه جوان نادان مسلمان که شیفته تئوری‌ها و فرضیه‌های بیگانگان شده بدون اینکه فرق بگذارد بین دینی که فریاد می‌زند. (اطلبوا العلم من المهد الی اللحد) و بین آیین که دانشمند را بجرم کشف یک حقیقت علمی می‌سوزاند بر اثر تقلید کورکورانه می‌گوید دین و دانش سازگار نیستند. و حال آنکه آئین مقدس اسلام واقعیت‌های علمی را که دنیای روز با چشم مسلح می‌بیند در محیط تار و تیره چهار ده قرن گذشته بیان فرموده است.

پس از بیان این مقدمات ما به این نتیجه رسیدیم که اسلام دین علم است و بلکه ریشه عموم پیشرفت‌های علمی دنیای متمدن روز در حقایق اسلام وجود دارد.

روی این حساب آن کسی که از نظر این آئین مقدس عنوان زمامداری و رهبری رسمی اجتماع را داراست بایستی دارای نبوغ علمی باشد.

یک نفر استاد دانشگاه روی کرسی تدریس هر دانشکده‌ای قرار بگیرد باید در فن مخصوص آن دانشکده تخصص داشته باشد تا بتواند مطالب علمی و مسائل معضل و مشکل آن فن را برای دانشجویان حل کند. ممکن نیست یک استاد (ترمودینامیک) در دانشکده پزشکی تدریس کند و یک نفر طبیب پروفیسور در طب در دانشکده الهیات مسائل فلسفی را حل و فصل نماید،

هنگامی که دست دقت می‌کنیم ملاحظه می‌نماییم قرآن جامع علوم است و همچنان که خود قرآن در مقام معرفی خویش می‌فرماید:

(لَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ) (هیچ تر و خشک نیست مگر اینکه در کتاب آسمانی بیان شده است).

بسیار از مسائل گوناگون در علوم مختلف در قرآن بیان شده است که دانشمندان مترقی امروز پس از کوشش و فعالیت فوق‌العاده علمی توانسته‌اند برخی از آنها را درک کنند.

پس همچنان که قرآن جامع علوم است بایستی آن فردی که در اجتماع بشریت مقام تعلیم و تفسیر قرآن را حائز است و آموزگار به تمام معنای کتاب آسمانی معرفی می‌شود نیز جامع علوم بوده، بلکه در هر علمی مرحله نبوغ را دارا باشد و این معنی با سرودن **أَقِيلُونِي وَكَلِّسْتُ بِخَيْرِكُمْ** مرا و بگذارید من بهتر از شما نیستم و یا با اقرار به جهل نمودن در مقابل جمعیت به اینکه **كُلُّ النَّاسِ أُمَّةٌ مِنْ عُمَرَ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْحِجَالِ** (همه مردم از عمر داناترند حتی زنان پس پرده) از شخصی که خود را زمامدار ملت مسلمان و معلم قرآن معرفی می‌کند سازگار نیست! کسی شایسته رهبری ملت قرآن است که با کمال سرافرازی و مباحثات در قبال هزاران نفوس فریاد می‌زند.

فَأِنِّي لَا أَسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ دُونَ الْعَرْشِ إِلَّا أَجَبْتُ فِيهِ (ترجمه) از من سوال نمی‌شود چیزی از مادون عرش مگر اینکه جواب می‌دهم.

علی^(ع) و حرکت زمین

آری بایستی استاد کرسی تدریس حقایق قرآن در جهان علم و دانش شخصیتی همچون امیرالمومنین علی ابن ابیطالب^(ع) باشد که سالهای متمادی قبل از اینکه کوپر نیک آلمانی را دنیا به خود ببیند و فرضیه حرکت زمین را مطرح کند و پیش از آنکه گالیله ایتالیایی با اختراع تلسکوپ منظومه شمسی را کشف کند و فرضیه کوپرنیک را جامه حقیقت بپوشاند و در دنیا هنوز اسحق نیوتن انگلیسی پدید نیامده تا اینکه از روی قانون جاذبه عمومی پرده بردارد. این ندای جانفزا از حلقوم مقدس پیشوای عظیم الشان اسلام در فضای مسجد کوفه طنین انداخت.

فَسَكَنْتُ عَلِيَّ حَرَكَتِهَا مِنْ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا أَوْ تَسِيخَ بِحَمْلِهَا

(پس ساکن قرار گرفته است زمین با آن حرکت سرسام آوری که دارد بدون اینکه اهل زمین از روی کره خاکی در فضا پرتاب شوند. یا اینکه بر روی زمین است در ناف زمین فرو رود). در بهمن ماه سال ۱۳۴۲ یک روان پزشک انگلیسی به نام جان وبستر که مسلمان و شیعه بود در ایام ماه مبارک رمضان به مشهد مقدس مشرف شده بود.

علت انتخاب دانشمند انگلیسی مذهب شیعه

این دانشمند عالیقدر در سالهای دبیرستان و دانشگاه مشهد سخنرانی‌هایی در پیرامون عظمت اسلام و اهمیت عقاید شیعه ایراد نمود.

در برخوردی که اینجانب با دانشمند مزبور کردم اولین سوالی که از وی پرسیدم این بود که چه چیز باعث شد شما مسلمان شدید مستر وبستر اظهار داشت که من سی سال تمام در عقاید گوناگون و مذاهب و ادیان مختلف مطالعه نمودم و یگانه دینی که حقایق و احکامش را با پیشرفت تمدن روزگار و دارای ارزش علمی یافتم آئین اسلام بود.

لذا به این دین گرویدم سپس سوالات مختلفی درباره قرآن و پیغمبر و نقش عظمت اسلام در محیط اروپا نمودم آخرین سوال بنده از ایشان این بود که چه عاملی باعث شد شما در بین تمام مذاهب اسلام مذهب شیعه را انتخاب کردید، فرمود:

پس از اینکه بنده مسلمان شدم چون از نظر موقعیت علمی شهرتی در محیط انگلستان داشتم رهبر شیعیان در لندن به نزد من آمدند و اظهار داشتند خوبست میان شما در میان مذاهب اسلامی مذهب شیعه را انتخاب بفرمائید. عرض کردم اسلام آوردن من نتیجه ۳۰ سال تحقیق و کاوش در ادیان و مذاهب بوده است.

شیعه شدن من هم بایستی از روی دقت و مطالعه و تحقیق باشد، سپس در مذاهب و عقاید مختلف اسلام مطالعه نمودم و شخصیت‌های برجسته صدر اسلام را مورد بررسی قرار دادم.

پس از تعمق فراوان ملاحظه کردم بعد از نبی مکرم یگانه شخصیتی که موقعیت علمی او با معارف و حقایق قرآن قابل مقایسه و سنجش است فقط امام علی ابن ابیطالب علیه السلام است و پس از نبی مکرم رهبری ملتی که پیرو این قرآن هستند بایستی به عهده چنین انسانی باشد.

لذا متوجه شدم آن مذهبی که در راس عقاید آن اعتقاد به جانشینی بلافصل چنین نابغه با فضیلتی باشد آن مذهب حق و توأم با حقیقت است و با کمال توجه و دقت در میان مذاهب گوناگون اسلامی مذهب شیعه را انتخاب کردم.

سخنرانی علی^(ع) از نظر یک دانشمند مسیحی

علامه فقید عالیقدر مرحوم سید هبته الدین شهرستانی در کتاب (ما هونهج البلاغه) مینگارد در سنه ۱۳۳۸ قمری در طی مصاحبه‌ای که با نرسیان رئیس دفتر سفارت کبرای بریتانیا نمودم این مرد که از دانشمندان علیرتبه عالم مسیحیت بود آنچنان شیفته کلمات مولی امیرالمومنین گشته بود که اظهار می‌داشت اگر در این عصر مترقی یک چنین سخنور نابغه‌ای در مسجد کوفه مشغول سخنوری بشود سراسر مسجد با آن وسعت مملو از دانشمندان عالیرتبه اروپا خواهد گردید.

تا از دریای بیکران دانش این رهبر عالیقدر استفاده کنند.

کشف کرات آسمان و نیروی جاذبه از بیان علی

موقعیت علمی امیرالمومنین به اندازه‌ای است که ما در لابه‌لای کلمات آن جناب حقایقی را می‌یابیم که همچون معجزات علمی قرآن پس از گذشت مدت مدیدی به وسیله دانشمندان مبتکر و مخترع جهان کشف شده است.

قبل از اینکه تلسکوپ گالیله Galialah ایتالیایی بخواهد اساس هیئت خرافی بطلمیوسی را از بین ببرد و به رخ دنیا بکشاند که این ستاره‌های فروزان هر یک کره بزرگی همچون کره زمین یا بزرگتر می‌باشند در عصر تاریکی که علمای هیئت و دانشمندان نجوم قائل بودند این ستارگان میخ‌های نقره‌ای هستند که بر سقف آسمان کوبیده شده‌اند. بزرگ رهبر عظیم‌الشان شیعیان جهان امیرالمومنین فرمود:

إِنَّ هَذِهِ النُّجُومَ فِي السَّمَاءِ مَدَائِنٌ كَمَدَائِنِ الْأَرْضِ كُلِّ مَدِينَةٍ مِنْهَا مَرْبُوطَةٌ بِعَمُودَيْنِ مِنْ نُورٍ وَ سَيِّرُهُ ذَلِكَ الْعُمُودِ مَاتَانِ وَ خَمْسَةٌ سَنَةً^۱

این ستارگان آسمان شهرهایی هستند همانند شهرهای زمین شهر کنایه از کره است. هر کره‌ای دارای دو نوع نیروی جذب و دفع است هم مورد جذب کره دیگر واقع شده و هم با نیروی جاذبه خود کرات دیگر را در فاصله معین به طرف خود جذب می‌کند مسیر و اندازه نیروی جاذبه هر کره‌ای ۲۰۵ سال نوری است. اسحق نیوتن (Newton) هنوز در صلب پدر هم به وجود نیامده بود که قانون جاذبه عمومی از بیان شیوای مولای متقیان در فضای مسجد کوفه طنین انداخت.

ماده خورشید در بیان علی^(ع)

در جای دیگر مولالمومنین در مقام بیان خلقت کره خورشید می‌فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الشَّمْسَ مِنْ نُورِنَارٍ وَصَفْوِ الْمَاءِ

^۱ نهج البلاغه

خداوند خورشید را از شعله آتش و خلاصه آب خلق کرده است^۲

و در جهان مترقی علوم امروز با تجربه طیفی این معنی را دانشمندان درک کرده‌اند. که ۶۰ صدم خورشید اکسیژن و ۱۶ صدم هیدروژن و ۱۶ صدم کربن و ۸ صدم باقی عناصر است. شعله آتش در کلام امام کنایه از کربن و خلاصه آب کنایه از اکسیژن و هیدروژن است. این بود نمونه‌ای از شخصیت علمی امیرالمومنین و رهبران بعد از علی و جانشینان آن حضرت هر یک در شئون علمی در عصر خود مرحله نبوغ را دارا بوده‌اند.

کشف میکروب وبا به وسیله امام سجاده^(ع)

بسیاری از حقایق علمی دنیای امروز را ما در لابه‌لای کلمات شیوان آنان می‌یابیم. سالیان دراز قبل از اینکه پاستور در دنیا ظاهر شود و موجودی به نام میکروب در زیر میکروسکوپ‌های قوی کشف کند و اطباء میکروب وبا را در سنه ۱۸۸۳ بشناسند و آن را در آب پیدا کنند، در هنگامی که دانشمندان یونان معتقد بودند مرض وبا بر اثر هوای کثیف عارض می‌گردد وجود مقدس چهارمین رهبر شیعه امام سجاده^(ع) در ضمن نفرینی که در باره بنی‌امیه می‌فرمود از این حقیقت پرده برداشت و در تحت عنوان دعا این واقعیت علمی را کشف فرمود.

حضرت دشمنان خود را با یک جمله کوتاه نفرین کرده می‌فرماید:

وَأَمْزَجَ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ

خدایا آب‌های آنها را با وبا ممزوج گردان.

^۲ - نهج البلاغه

علم شیمی و امام صادق(ع)

یکی از علوم زنده دنیای امروز علم شیمی است. این علم بی‌اندازه مورد توجه ملل مختلف عالم قرار گرفته است.

این علم از منبع پر فیض امام ششم شیعیان امام جعفر صادق علیه السلام سرچشمه گرفته است. مبتکر علم شیمی در دنیا که جهان علم او را ابوالشیمی (پدر شیمی) می‌نامد، جابر ابن حیان است و این آقا جابر ابن حیان از شاگردان امام صادق علیه‌السلام بوده است و متجاوز از چهل رساله در علم شیمی نوشته است و در تمام کتاب‌ها اقرار کرده است بر اینکه این مطالب را از محضر پرفیض امام صادق استفاده نموده است و در همه‌جا استاد خود را امام صادق معرفی می‌کند در آخر کتاب (میدان العقل) جابر در مقام توصیف کتاب خود می‌گوید:

فَوْحًا حَقًّا سَيِّدِي جَعْفَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا يَكُونُ أَبَدًا مِثْلُ كُتُبِي هَذِهِ فِي الْعَالَمِ

پس به حق استاد و آقایم جعفر صلوات الله علیه مثل کتاب‌های من در عالم وجود ندارد و در انتهای کتاب (قدم و حدوث) اعتراف می‌کند که عموم کتب و نوشتجات او از اما ششم علیه‌السلام است، می‌گوید:

فَوْحًا حَقًّا سَيِّدِي إِنَّهُ لَعَايَةُ الْعِلْمِ وَلَوْ شِئْتُ لَبَسَطْتُهُ فِيمَا لَا آخِرَ لَهُ مِنَ الْكَلَامِ وَلَكِنَّ هَذِهِ الْكُتُبِ

يَا أَخِي مُعْجَزَاتِ سَيِّدِي

قسم به حق آقایم علومی که من منتشر می‌کنم منتهای علم است و اگر اراده‌ام تعلق بگیرد آنچنان در آن باره سخن را بسط خواهم داد که انتهایی برای آن تصور نشود و بدانید عموم این آثار از محضر پرفیض آقایم استفاده شده است و کلیه این علوم معجزات استادم می‌باشد.

و نیز در مقام تشکر و سپاسگزاری از مقام استاد خود امام علیه السلام در آخر مقاله عشرين

(بیستم) کتاب **خواص الکبیر** خود می نویسد:

الْفَخْرُ وَالْفَضْلُ وَالشُّكْرُ لِسَيِّدِي وَبِهِ عَلِمْتُ مَا عَلِمْتُ وَوَصَلْتُ إِلَى مَا وَصَلْتُ

مباهات فضیلت سپاس مخصوص استادم همت که به سبب او دانستم عموم دانستنی‌ها را و به

مراحل نهایی علم رسیدم مسلمه **مجریطی** از حکماء بزرگ اسلام است کتابی نوشته به نام

(رتبه **الحکیم**) در آن کتاب می نگارد:

جابر حکمت خویش را از جعفر صادق علیه السلام گرفته که از خاندان علی علیه السلام است

و مجریطی در این باره اشعاری سروده است:

عن امام صادق الوعد حفی

حکمه اورثناها جابر

فهو کالمسک تراب نجفی

بوصی طالب من تربته

(حکمتی که بارث داده بما جابر از امام صادق او وعدیست که داناست به وسیله وصی که

پاکیزه شده از تربت او که مانند مشک است خاک نجف).

مقام علمی امام صادق

شخصیت علمی امام صادق علیه‌السلام به اندازه‌ای اشتهار دارد که ابن حجرمکی که یکی از دشمنان سرسخت ائمه اطهار علیه‌السلام است و در رد عقاید شیعه کتابی نوشته به نام *صواعق المحرقة* در آن کتاب در مقام توصیف موقعیت علمی امام صادق علیه‌السلام این چنین قلم‌فرسائی می‌کند:

نَقَلَ النَّاسُ عَنْهُ مِنَ الْعُلُومِ مَسَارَتَ بِهِ الرُّكْبَانِ وَانْتَشَرَ صَيِّتُهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ

مردان دانشمند آن اندازه از علوم امام جعفر بن محمد^(ع) در دنیا منتشر کرده‌اند که علوم آن جناب جهان را فرا گرفته است و شهرت علمی حضرتش در میان تمامی ملل و ممالک عالم طنین انداخته است.

خلاصه مقام علمی پیشوایان اسلام در عصر خود آنان در جهان مشهور بوده و هم اکنون هم عظمت علمی آنان مورد اذعان و اعتراف جهان علم و دانش می‌باشد و عموم دانشمندان بزرگ جهان در مقابل ساحت علم و دانش آنان سرکرنش و تعظیم فرود می‌آورند.

چرا امام زمان^(ع) غایب شد؟

ولی موجب تاسف و تاثر است که هر یک از آنان زمانی ظاهر شدند که دنیا از نظر علمی چندان ترقی نداشت و افراد بشر استعداد استفاده از محضر علمی ایشان را نداشتند و از طرفی هم دستگاه‌های حکومتی وقت که انتشار علوم آنان را برخلاف مصالح سلطنتی خود تشخیص داده بودند. با تمام قوا می‌کوشیدند تا اینکه آثار آن حضرت را نابود سازند لذا خداوند متعال

یکی از آن خورشیدهای تابنده آسمان دانش را در پس ابرغیبت ذخیره ساخت تا آن هنگامی که جهان انسانیت به درجه نهایی ترقی و تکامل علمی برسد و افراد بشر استعداد درک حقایق علمی آن وجود مقدس را حائز شوند.

در آن وقت و آن هنگام این شخصیت آسمانی در جامعه بشریت ظاهر شده و توده انسان‌ها را در تحت تربیت و آموزش کامل در می‌آورد.

مهدی موعود اسلام که به عنوان آخرین تیر ترکش ارشاد به ما معرفی شده است از نظر موقعیت و مقام علمی همانند رهبران و ائمه پیشین اسلام می‌باشد و چون آخرین استاد کرسی تدریس و تفسی علوم قرآن است لذا بایستی در زمانی ظاهر شود که استعداد افراد انسان به درجه نهایی رسیده باشد تا اینکه بتواند به طور کامل همچنان که سزاوار است عموم معارف قرآن را در جهان نشر و بسط دهد.

هم اکنون هزار و یکصد و سی و سه سال از عمر شریف آن جناب می‌گذرد و همچنان در پس برده غیبت قرار دارد. تا روزی که خدایش اراده فرماید و ندای جهان‌گیر و ملکوتی خود را از خانه مقدس کعبه به گوش جهانیان برساند و حکومت حق و عدالت را در عالم برقرار و حاکمیت قرآن را در جهان مستقر فرماید.

ما در طی چند صفحه این جزوه در صدد بیان این مطلب هستیم که طول عمر امام زمان یک امر طبیعی بوده واصل در زندگی مادی انسان بقاء است نه فنا.

و ممکن است یک فرد بشر به وسیله مهیا کردن شرایط کامل زندگی برای خود نیز بتواند سالیان دراز در دنیا عمر کند.

ابتدا توجه خوانندگان محترم را به این موضوع جلب می‌کنیم که عامل فنا و نابودی موجودات دنیا چیست و چگونه می‌توان با آن مبارزه کرد.

تنازع در بقاء یا مشکل طول عمر

دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم مرکب از نیروهای مختلف است که همواره اختلاف و تشتت عجیبی در بین آنها وجود دارد.

و همچنین اختلاف انرژی‌ها و مخالفت آنها و مبارزاتشان با یکدیگر تشکیل مسئله تنازع در بقاء داده است.

از آن روزی که دست توانان آفرینش دانه‌ای را در قلب زمین می‌پروراند به وسیله مبارزات شدید این دانه خود را به صورت درخت تنومند پرشاخ و برگی در می‌آورد. ابتدا با آفات و حوادث موجود در کمون خاک می‌جنگد تا به صورت برگ نازکی سر از زمین برون آورد.

هر آن لحظه هزاران حادثه برای فنا و نابودی او به وجود می‌آید. ولی این سبزه نازک در مقابل تمامی آنها مقاومت کرده و با نیروی داخلی خویش در حفظ خود می‌کوشد. گاهی اتفاق می‌افتد که مدت مدیدی در زیر برف‌ها قرار گرفته و با چهره خشن یخ روبه‌رو است اما انرژی داخلی او می‌کوشد تا اینکه او را در دامن ناز پرورد نسیم روح‌بخش بهاری قرار دهد و هم آغوش شب‌نمای لطیف سحری بسازد تا اینکه در این کشاکش این سبزه نازک خود را به صورت درختی قوی و تنومند می‌رساند که خشونت پوست او و یا ماده چربی چوب و برگش از هرگونه حادثه و عارضه‌ای نسبت به او جلوگیری کند.

پس ملاحظه می‌کنید که در طول زندگی یک درخت مرتب عوامل مبقیه و با عوامل مبقیه‌اش مبارزه مشغولند و تا وقتی که نیروهای مبقیه خارجی انرژی داخلی آن درخت را مغلوب نکرده و از بین نبرده‌اند آن درخت همچنان باقی و روزبه روز رشد و نموش افزوده می‌شود. و روی همین جهت درختانی که در مکان‌های مناسبی دور از حوادث خارجی سبز می‌شوند عمرهای طولانی می‌کنند و لذا بعضی از درختان در جنگل‌های افریقا دیده می‌شود که عمر آنها در حدود چهار هزار سال است و قطر آنها در حدود ۱۵ متر و ارتفاعشان بیش از ۱۲۰ متر می‌شود.

در قریه کشمر که در ۱۸ کیلومتری شهر کشمر از توابع خراسان قرار گرفته درخت سروی بوده است معروف به نام سرو کشمر.

این درخت به وسیله زردشت (که به عقیده پارسیان پیغمبر بوده است) کاشته شده و فردوسی درباره آن گوید:

یکی شاخ سرو آورید از بهشت

به پیش در شهر کشمر به کشت

و این ضرب‌المثل شعرای فارسی است: امیر معزی می‌گوید:

ترک نزاید چه تو بکاشغر اندر

سرو نباید چه تو بکاشمر اندر

و متوکل عباسی هنگام عمارت سامره به طاهر بن عبدالله حاکم خراسان فرمان داد که آن درخت را قطع نموده و تنه و شاخه‌های آن را در هم پیچیده بر شتران بار نماید و به بغداد بفرستد. مجوسان پنجاه هزار دینار به طاهر دادند که از قطع آن درخت صرفنظر نماید قبول ننمود و درخت را قطع کرد، از سقوط درخت زمین لرزه شدیدی رخ داد که به قنوات و ابنیه شهر کاشمر زیان فراوان رسید، عظمت آن درخت به اندازه‌ای بود که دو هزار گوسفند و گاو در زیر سایه آن جا می‌گرفتند و انواع مرغان در آن آشیانه گرفته بودند. چنان که در موقع انداختن درخت مرغانی که در آن درخت آشیانه داشتند به پرواز درآمدند و هوا را تاریک کردند، مولف کتاب تاریخ جهان‌نما می‌گوید: عمر آن درخت در زمان متوکل هزار و چهارصد و پنجاه سال بود.

و همین‌طور هم حیوانات، اما حیوانات چون از نظر جسمی و داخلی ضعیف‌تر از نباتات هستند حس شعوری به آنان عنایت شده که به وسیله هوش و ذکاوت خود وسائل زندگی خود را تهیه می‌کنند و با تهیه لانه‌های مناسب خود را از حوادث خارجی (حرارت و برودت) حفظ می‌نمایند.

یکی از جانورانی که از حیوانات نسبتاً ضعیف به شمار می‌رود موریانه است. این حیوان با تشکیل لانه‌ها و ساختمان‌های محکم و مستحکم خود را از گزند جانوران دشمن خود و سایر حوادث حفظ می‌کند.

به طوری که دانشمندان حشره‌شناس کشف کرده‌اند این حیوان در قاره آفریقا در کنگوی بلژیک لانه‌هایی ترتیب داده است که به ارتفاع ۶ متر می‌باشد.^۳

در شهر الیزابت ویل (Vill) خیابانی احداث شده که از میان یک لانه مورخانه عبور می‌کند. نقطه مرتفع این لانه هنوز پابرجا است و از عمارتی که در آن طرف خیابان است ساخته شده بلندتر است. هنگامی که خط آهن ساکانیا Sakania را می‌کشیدند ناچار شدند با دینامیت لانه‌های مورخانه‌ها را خراب کنند و تازه لانه‌های خراب شده به قدری مرتفع است که هنگام عبور قطار از دودکش بالای لوکوموتیو مرتفع‌تر می‌باشد.

سبب و علت استحکام این خانه‌های مورخانه سیمان خاصی است که در ساختمان این لانه‌ها به کار می‌رود. این سیمان به صورت مایعی در داخل روده مورخانه فعل و انفعال می‌شود و به صورت مدفوع از او خارج می‌گردد و این حیوان بر اثر ذکاوت خدادادی با مدفوع خود که از هر سیمانی محکم‌تر است ساختمان بنا می‌کند^۴ و بدین وسیله خود را در قبال حوادث خارجی و جانوران از خود بزرگتر حفظ می‌کند.

داخل لانه مورخانه حداقل باید ۱۶ درجه حرارت موجود باشد و این حرارت را مورخانه با وسائل تهویه مخصوص در لانه خود ایجاد می‌کند.^۵

انسان نیز همچنین در طول زندگی‌اش عوامل مبقیه و مفنیه او با یکدیگر به ستیزه مشغولند و هرچند از نظر جسمی می‌توان گفت از سایر حیوانات ضعیف‌تر است. اما خداوند فکری قوی

^۳ مورخانه موریس مترلینگ

۴-۵ مورخانه موریس مترلینگ

به او عنایت فرموده تا با به کار بستن نیروی مغزی خود بتواند در مقابل حوادث و عوامل و نیروهای مفنیه‌اش مقاومت کند و گذشته از آنچه در وجود خود اوست از سایر موجودات بهره‌برداری نموده و از طرز زندگی نباتات و حیوانات و حشرات تجربه‌ها می‌آموزد مثلاً وقتی می‌بیند بعضی از حشرات در زمستان به حالت رکود زنده می‌مانند و بعضی از حشرات را دیده‌اند که در قطب شمال پس از هزاران سال زیر یخ زنده مانده‌اند از اینجا تجربه آموخته و فهمیده‌اند که می‌شود با بروود زنده‌ای را به حال ثابت باقی گذارد.

لذا در سرخانه‌ها اطفال و جوانان را بی‌حس می‌کنند تا به همان حال باقی بمانند که بعد از ۲۰ سال مثلاً باز ادامه زندگی بدهند.

پروفسور لیلهی (Lilhy) استاد دانشگاه مینسوتا (Minsouta) (آمریکایی) در کنگره دانشمندان آمریکایی گفت: «تا قبل از پایان قرن بیستم بشر موفق خواهد شد موجود زنده‌ای منجمد کرده و وقتی اراده کرد این موجود را دوباره زنده کند و حیات ببخشد»^۶.

وایزمن Waizman آلمانی گوید: برای عمر در بین موجودات زنده حد و اندازه معین نیست. پس با این مقدمه معلوم شد که موجود زنده نمی‌میرد مگر اینکه جنبه حوادث فنا غالب شود، یعنی موجود زنده در بین این دو نیروی مبقیه و مفنیه پابرجاست تا اینکه حوادث و عوارض فنا غالب گردد و انرژی‌های داخلی مغلوب شوند.

بدین جهت است که دانشمند آلمانی با کمال صراحت بی‌انتهای بودن زندگی بشر را اعلام می‌کند، عوارض نابودی برای بشر بسیار است و عمده آنها نفوذ میکروب‌ها در بدن می‌باشد،

۶- اطلاعات ۲۲ دی ماه ۱۳۴۴

که انسان را به امراض گوناگون مبتلا می‌کند و قوای داخلی شخص را زایل کرده و انسان را از بین می‌برد. پس اگر بشر در هوای سالم زندگی کند و حوادث خارجی از قبیل هموم و غموم و تصادفات ناگهانی و سایر عوامل نابودی پیش نیاید و یا غلبه بر نیروی انسانی نکند عمر بیشتر خواهد داشت و با بقاء انرژی‌های داخلی ممکن است انسان در یک حالت بماند و پیر و شکسته نشود.

دکتر متشنيکوف (Matshnikiuf) (شاگرد پاستور Paster) مکتشف میکروب) می‌گوید جسم انسان آمادگی دارد برای اینکه بیش از سیصد سال در دنیا عمر کند و باقی بماند و اغلب افرادی که در سنین هفتاد و یا هشتاد سالگی از بین می‌روند وقتی درست دقت شود ملاحظه می‌شود که اعضای بدن آنها سالم است.

منتهی بر اثر اینکه یک عضو از اعضای آنها به خاطر کثرت کار و فعالیت دچار فرسودگی شده است.

سایر اعضا را علیل می‌کند و انسان از بین می‌رود. سپس می‌گوید بزرگ عاملی که مانع است از اینکه انسان عمر طبیعی کند به وجود آمدن انواع میکروب ها در خون و در امعاء و ریه انسان است.^۷

بوفن Boufen می‌گوید کسی که به بیماری نمیرد می‌تواند نود سال یا یک قرن زنده بماند.^۸ دکتر مورلن Miurlen می‌گوید تن آدمی کارخانه کاملی است و بنا بر محاسبات ریاضی و طبیعی که شده می‌تواند بیش از صد سال به خوبی کار کند.^۹

۷- دائره المعارف فریروجدی حرف ح کلمه حیات
۸، ۹- (کتاب عمر دراز- تالیف پروفیسور پی بلز)

پس روی این حساب اگر شیعه ادعا کند که سیزدهمین پیشوای اسلام و دوازدهمین جانشین پیغمبر اسلان ۱۰۰۰ سال و اندی است که در دنیا زندگی می کند و ممکن است چندین سال دیگر عمر کند چیز بعیدی نخواهد بود.

زیرا صرفنظر از اینکه این ادعا درباره یک انسان عادی شگفت آور نیست اصلا همان طوری که نیروی روانی و روحی امام بیش از افراد عادی بشر است نیرو و قدرت جسمی امام هم نیز فوق العاده می باشد.

که با تمامی عوامل فنا اعم از عوامل داخلی و خارجی مبارزه می کند و امام همچنان صحیح و سالم در یک حالت باقی و استوار است.

برای اثبات این مطلب که طول عمر یک امر طبیعی است ابتدا تحقیقاتی در باره بدن انسان و اینکه از چه چیز تشکیل شده بیان می شود تا اینکه در نتیجه معلوم گردد که بقاء بدن یک امر طبیعی است و اصل در بدن بقاء است نه فنا و فرسودگی.

بدن شما از تعداد بیشماری واحدهای کوچک ماده زنده به نام سلول ساخته شده است اگر به ساختمان آجری از فاصله دور نگاه کنیم نمی توانیم اجرهای سازنده بنا را ببینیم

اما وقتی به ساختمان نزدیک می شویم واحدهای کوچک (آجرها) را تشخیص می دهیم. بازو و سایر قسمت های بدن شما به نظر توده های یک پارچه می آید ولی اگر مقطع نازکی از بازوی خود را با میکروسکوپ مطالعه بکنید مشاهده می نمایید که از واحدهای کوچک فراوان ساخته شده است که سلول می نامیم.

سلول: سلول در لغت به معنای خانه و در اصطلاح واحد ساختمانی بدنی زنده انسان و حیوان و نبات است. که از سه جزء (سیتوپلاسم، هسته، غشاء) تشکیل شده است و دارای اعمال حیاتی است سلول مرکب از مایه‌ای است شبیه به سفیده تخم مرغ که غالباً بر روی آن پرده‌ای قرار گرفته است.

در هر میلی‌متر از بدن میلیون‌ها سلول وجود دارد. این سلول‌ها از توده پرتو پلاسما به وجود می‌آیند.^{۱۰}

پلاسما: Plasma پلاسما- یک لغت یونانی است و مایعی است شفاف و زرد رنگ و قابل انعقاد که اکثر آن از خون تشکیل شده و در تمام انساج و لنف‌های بدن وجود دارد. ترکیب‌های پلاسما شامل ۸ تا ۹ گرم گلوکزها (که ۵ یا ۶ گرم آن نمک فسفات‌ها کربنات‌ها، پتاسیم، کلسیم، منیزیم و پروتیدها که شامل آلبومین و گلوکز در یک لیتر می‌باشد).^{۱۱}

غشاء- هسته - سیتوپلاسم؟

غشاء عبارت است از پرده‌ای که روی سلول را گرفته است. از این غشاء جذب و دفع مواد معدنی و آب صورت می‌گیرد.

وجود غشاء لازمه حیات سلول است. در داخل سلول هسته قرار دارد. که در بین سایر عناصری که در تشکیل سلول به کار رفته‌اند.

۱۰- اطلاعات عمومی یا دائره المعارف اجتماعی صفحه ۱۵۶ و ۱۵۰

بزرگترین و مهم‌ترین آنهاست. هسته غشاء و پرده‌ای حافظ مخصوص خود دارد در داخل هسته ژن‌ها **Gen** قرار دارند.

ژن‌ها عناصری هستند که از سلول‌های اصلی پدر و مادر به ارث انتقال می‌یابند این ژن‌ها در یک ماده شبکه مانندی به نام کروماتین **Kroumatin** قرار دارند و کروموزم **Krou,ouzom** را می‌سازند.

ما بقی سازنده سلول سیتوپلاسم است که شامل مواد و ساختمان‌های گوناگون می‌باشد و برخی از آنها را نمی‌توان با میکروسکوپ معمولی مشاهده کرد. با استفاده از دستگاه‌های گریز از مرکز سریع و دستگاه جدا کردن ذرات سنگین از سبک و با استفاده از میکروسکوپ‌های الکترونی که شیء را به خوبی نمایان می‌سازد.

قسمتی از ساختمان‌های دیگر سیتوپلاسم را می‌توان دید و بعضی از یان مواد حاوی آنزیم‌ها (موادی که تبدیلات شیمیایی بدن را تسریع می‌کنند) می‌باشد.^{۱۲}

بدل مایتحلل؟ در داخل بدن خیلی از سلول‌ها می‌میرند و سلولهای تازه‌تری که از تقسیم سلول‌های جوان هر بافت به وجود می‌آیند جانشین سلول‌های مرده می‌گردند. تقسیم سلول به وسیله روندمیتوز انجام می‌گیرد. در جریان میتوز هسته تقسیم به کروموزم می‌شود و کروموزم‌ها به دنبال یکدیگر قرار گرفته در وسط هسته جا می‌گیرند.

۱۲- کتاب بدن انسان تالیف ادیث- سپرول

غشاء هسته از بین می‌رود هر کروموزم از وسط به دو نیمه تقسیم می‌شود و بدین ترتیب ماده هسته‌ای به مقدار مساوی برای هر نیمه سلول مهیا می‌گردد.

بعد از آنکه کروموزم‌ها در دو نقطه متقاطع سلول قرار گرفتند دور هر هسته یک غشاء درست می‌شود سپس سیتوپلاسم به دو نیمه تقسیم می‌گردد و به جای سلول نخستین دو سلول مستقل ولی شبیه به یکدیگر به وجود می‌آید و مادامی که این تبدیل و تقسیم در سلول‌ها موجود باشد بدن همچنان باقی و پابرجاست.

پروفسور پی‌بلز Pibelz می‌گوید «زندگی اصلی طبیعی دارد و آن تغییر و تبدیل است این دگرگونی یاخته‌هایی را (سلول‌ها) که در اثر کنش و واکنش‌های شیمیایی و میکانیکی ناتوان شده اند نابود می‌کند و یاخته‌های جوان را به جایشان می‌گذارند. همین تغییرات و تبدیلات است که زندگی را ممتد می‌کند».^{۱۳}

پس نتیجه می‌گیریم که اگر این تبدیل و تبدیل تا صدها سال و تا هزاران سال موجود باشد عمر انسان تا به همان زمان کنش خواهد داشت.

حال ببینیم آیا ادامه این تقسیم و تولید مثل سلول تا چه اندازه‌ای امکان دارد.

دکتر ادیث - اسپروول side Asprv می‌گوید «سلول‌ها را می‌توان در محیط‌های به خصوص خارج از بدن کشت نمود و چنانچه مراقبت‌های لازمه را مرعی داریم تولید مثل سلول‌ها به طور نامحدود ادامه خواهد یافت».^{۱۴}

دکتر هنری اسمیس Smis استاد دانشگاه کلمبیا (آمریکا) می‌گوید:

۱۳- کتاب بدن انسان

۱۴- کتاب بدن انسان

باید حد متوسط مرگ و میر عمومی را به حد مرگ اطفال کمتر از ۱۰ سال رسانید و اگر این مسئله جامه تحقق به خود بگیرد انسان آینده هشتصد سال عمر خواهد کرد.

دکتر هنری می گوید «زندگی جاودانی ممکن است و این کار با پرورش تولید مصنوعی انساج بدن و پیوند آن مقذور خواهد گردید.

یکی از پزشکان کشور رومانی به نام پروفیسور آنا اصلان Anasllan دارویی از ترکیبات نوکائین برای درمان پیری کشف کرده که پس از تکمیل در دسترس جهانیان قرار خواهد گرفت.^{۱۵}

این خبر در محافل مختلف دنیا مورد بحث واقع شد.

کاشف این دارو معتقد است که این دارو روی سلولهای بدن انسان تاثیر خاصی دارد و آن را جوان می کند. و طبعاً عمر خود را از سر می گیرد.

درباره امکان کشف چنین دارویی با چند نفر از اطباء معروف کشور ما نیز مصاحبه شده بود و گزارش مزبور را قابل مطالعه دانسته بودند.^{۱۶}

پس با این مقدمات معلوم شد که می توان سلولهای بدن را جوان نگه داشت به طوری که همواره مشغول فعالیت و تولید مثل باشند.

نگهداری سلولهای بدن یک امری بسیار عادی است که از طریق تغذیه کامل سلول ها انجام می گیرد.

۱۵-اطلاعات ۲۰ مهر ۱۳۴۴

۱۶-اطلاعات روزهای ۱۰ و ۱۱ آذرماه ۱۳۳۸

کما اینکه بسیاری از دانشمندان این موضوع را با تجربه ثابت کرده‌اند و عضوی از بدن انسان یا حیوان را در لابراتوارها و آزمایشگاه‌ها از طریق تغذیه کامل سلول‌های آن عضو سالیان دراز نگه‌داری کرده‌اند.

دکتر آلکسیس کارل **Karll** قلب جوجه‌ای را تا هشت سال زنده نگه داشت با اینکه خود جوجه و مرغ بیش از پنج سال عمر نمی‌کند.^{۱۷}

باز در جای دیگر هنری اسمیس **Henry Smis** می‌گوید دکتر آلکسیس کارل در سال ۱۹۱۲ موفق به نگه‌داری یک مرغ به مدت سی سال شد. در حالیکه زندگی مرغ حداکثر از ده سال تجاوز نمی‌کند.^{۱۸}

استاد ریمند برل **Berll** از اساتید دانشگاه جونس هیکنس می‌گوید هر یک از اجزاء رئیسه بدن انسان به وسیله نیروهای لازم می‌تواند مخلد بماند و این امر به وسیله آزمایش ثابت شده است.^{۱۹}

اول کسی که این امر را مورد امتحان در اجزاء حیوان قرار داد دکتر جاک لوب **Gak lob** از جمله کارمندان لابراتوار رکلفر نیویورک بود. این موضوع را در تخم قورباغه امتحان کرد دید بعضی از تخم‌ها زمان طولیلی زندگی می‌کنند و بعضی به زودی از بین می‌روند در فکر امتحان این مطلب افتاد پاره‌ای از بدن قورباغه را گرفت و تا مدتی طویل او را زنده نگه داشت.^{۲۰}

۱۷- مجله المقتطف سال ۵۹ جزو سوم

۱۸- اطلاعات ۲۰ مهرماه ۱۳۴۴

۱۹ و ۲۰- مجله المقتطف سال ۵۹ جزو سوم

پس بر اثر این تجربیات ثابت شده است که اگر غذاهای لازم و مناسب به سلول‌های بدن برسد آنها به نمو و تکثیر خود ادامه می‌دهند.

بلکه می‌توان ادعا کرد که در این صورت عوض اینکه انسان پیر و فرسوده گردد قوی‌تر و جوان‌تر خواهد گردید و تغذیه کامل سلول‌ها وقتی صورت می‌گیرد که وضع زندگی انسان هم از نظر غذایی و هم از نظر هوا و سایر خصوصیات منظم و کامل باشد.

بسیاری از غذاها و نباتات که معروف است عمر را زیاد می‌کند از قبیل لبنیات و غیره. این غذاها در سلول‌ها اثرات عمیقی می‌بخشد و در نمو سلول‌ها موثر است. چند سال پیش این خبر در دنیا انتشار یافت که یکی از دانشمندان فرانسه طی مطالعات خود درباره زنبور عسل به این نتیجه رسیده بود که مشاهدات نشان می‌دهد عمر ملکه کند و به مراتب از افراد عادی زنبورها بیشتر است و این مطلب مربوط به تغذیه ملکه است.

زیرا ملکه پنجاه سال عمر می‌کند و حال اینکه عمر سایر زنبورها از چهل و پنجاه روز تجاوز نمی‌کند این امر بر اثر این است که ملکه از عمل خاصی تغذیه می‌کند که کارگران کندو برای او تهیه می‌کنند و این عسل شاهانه نصیب دیگران نمی‌شود.

دانشمند مزبور از مطالعات خود نتیجه گرفته بودند که اگر بتوان آن عسل مخصوص را به مقدار کافی در اختیار بشر گذاشت سالیان زیادی بر عمر او افزوده می‌شود.^{۲۱}

خلاصه مطلب نتیجه این که از مجموع این بیانات عاید گردید این بود که طول عمر بستگی به قدرت و نیروی سلول‌های بدن دارد و قدرت سلول‌های بدن هم مرهون تغذیه کامل است.

۲۱- نقل از جراید روزهای ۱۰ و ۱۱-آذرماه

غذای لازم

بدن ما احتیاج به شش قسم غذا دارد و غذاهایی که برای بدن لازم است باید از قسم و شش دسته تشکیل گردد.

۱- گلوئیدها ۲- مواد چربی ۳- پروتئینها ۴- موادمعدنی ۵- ویتامینها ۶- آب

گلوئید **Gelocid** گلوئید بیشتر از نشاسته و قند تشکیل می‌شود گلوئید دارای سه ماده است:

هیدروژن **Hidrojen** اکسیژن **Oxijen** و کربن **Carbon** و بنابراین گلوئید از سه عنصر شیمیایی مزبور تشکیل یافته است.

گلوئیدها تمام به عنوان منبع انرژی به کار می‌روند. انرژی حرارتی لازم را برای گرم داشتن بدن و قادر ساختن به انجام کارهایش تولید می‌کند. و در واقع گلوئیدها در حکم مواد قابل احتراقی هستند که ما را سرپا نگاه میدارند.

و اغلب در سبزیجات و اغذیه یافت می‌شوند. قریب ۱۸ درصد سیب‌زمینی گلوئید است و قریب ۱۴ درصد سیب نیز گلوئید می‌باشد و در حدود ۵۳ درصد نان نیز گلوئید می‌باشد.^{۲۲}

۲- **مواد چربی: چربیها** و روغنها مانند گلوئیدها از کربن و هیدروژن و اکسیژن ترکیب یافته‌اند فرقی که با گلوئیدها دارند این است که مقدار عناصر سه‌گانه‌شان متفاوت است چربیها و روغنها بهترین اغذیه انرژی‌زای ما هستند.

انرژی که از مقدار چربی تولید می‌شود بیش از برابر انرژی حاصل از آن مقدار گلوکوسیدهاست و این ماده در غذاهای زیر بدین قرار است.

ماهیچه گاو در حدود ۱۲ صدم چربی است. **ران گاو** در حدود ۱۶ صدم چربی است. **کره** در حدود ۸۲ صدم چربی است. **پنیر** در حدود ۳۲ صدم چربی است. **روغن کبد ماهی و روغن زیتون** صد در صد چربی است.^{۲۳}

۳- پروتئین: پروتئین‌ها از مواد در هم می‌باشند نه اینکه فقط دارای کربن و اکسیژن و **نیدروژن** باشند بلکه ازت هم در بردارند.

بعضی از پروتئین‌ها مقدار کمی **گوگرد یا فسفر یا آهن** دارند به هر حال ازت مهم‌ترین عنصر یک ماده پروتئین است و برای ساختن بافت‌های^{۲۴} جدید لازم می‌باشد. پروتئین‌ها در غذاهای زیر بدین قرار است:

لوبیای خشک ۲۲/۵ درصد پروتئین است. **ماهیچه گاو** ۱۹ درصد پروتئین است **نان** ۹/۲ درصد آن پروتئین است **پنیر** ۲۸/۸ درصد آن پروتئین است. **جوجه** ۲/۸ درصد آن پروتئین است. **تخم مرغ** ۱۳ درصد پروتئین است. **ماهی و روغن ماهی** ۱۵/۸ درصد آن پروتئین است.^{۲۵}

۴- مواد معدنی

مواد معدنی عبارت از چند ماده می‌باشند: **کلسیم و فسفر** این دو ماده از املاحی هستند که برای محکم ساختن استخوان‌ها و دندان‌ها لازم می‌باشند و برای مغز و اعصاب هم نیز لازم‌اند.

۲۳- کتاب علم و زندگی

۲۴- بافت مجموع سلول‌های مشابه که یک نوع کار حیاتی انجام می‌دهند می‌باشند بافت‌های ماهیچه‌ای و بافت‌های عصبی

۲۵- کتاب علم و زندگی

آهن- کلسیم- فسفر- سدیم و کلر از مواد اصلی سازنده خون می‌باشند و کمبود آهن در غذا بیماری کم‌خونی را باعث می‌شود.

جگر و گوشت و اسفناج و زرده تخم مرغ از منابع سرشار از آهن می‌باشند. دو ماده معدنی دیگر برای سلامتی بردن لازم است.

گوگرد برای نمو مو و ناخن و پوست لازم است و دیگر ید که برای تندرستی و نمو خاص غده تیروئید مورد احتیاج است. فقدان ید در غذا موجب بزرگ شدن تیروئید می‌گردد.^{۲۶}

۵- آب

آب برای زندگی لازم است که باید هر غذایی توأم باشد- ۶۵٪ وزن انسان آب و ۳۵٪ وزن او سایر مواد می‌باشد. در هر یک از غذاها به مقدار لازم آب وجود دارد، حتی در غذاهای خشک هم نیز آب موجود می‌باشد.^{۲۷}

۶- ویتامین‌ها

ویتامین‌ها برای بدن از هر نظر لازم هستند، در واقع بیشتر از سلامتی‌های بدن به وسیله ویتامین‌ها تامین می‌گردد و بسیاری از امراض به وسیله ویتامین‌ها رفع می‌شود.

ویتامین آ (A) مقاومت بدن را در مقابل میکروب بعضی امراض زیاد می‌کند، فقدان این ویتامین در غذا سبب عارضه بزرگی در چشم می‌شود و این ویتامین از مرض کزوفتالمی^{۲۸}

۲۶- کتاب علم و زندگی

۲۷- کتاب علم و زندگی

۲۸- کزوفتالمی یا رمده یابس مخصوص دوران کودکی است که باعث آماس پلک‌ها و جراحات شدید چشم‌های می‌شود.

جلوگیری می‌کند این ویتامین در سبزیجات، روغن ماهی، تخم مرغ، شیر، کره زیاد یافت می‌شود.

ویتامین ب ۱ (B1) از مرض بری‌بری^{۲۹} جلوگیری می‌کند و به اشتها و هاضمه کمک می‌کند این ویتامین در گوشت، تخم مرغ، میوه‌جات، حبوبات یافت می‌شود.

ویتامین ب ۲ (B2) از ترکیدن لب‌ها و بازشدن گوشه لب جلوگیری می‌کند و در نمو دادن دخیل و غذاهای (ب ۱) یافت می‌شود.

ویتامین ب ۶ (B6) مخلوط از مرض پلاگر^{۳۰} جلوگیری می‌کند. سلامت پوست و سلسله اعصاب را تامین می‌کند و در غذاهای ب ۱ یافت می‌شود.

۷- ویتامین ث (C)

ویتامین C که آن را (اسید اسکوربیک^{۳۱} Acid Escourbik) جلوگیری می‌کند، به نمو استخوان و لته‌ها کمک می‌کند.

این ویتامین در لیموترش، میوه‌جات، گوجه‌فرنگی، توت‌فرنگی، سبزی، کلم یافت می‌شود.

۸- ویتامین د (D)

ویتامین د (D) از مرض راشی‌تیس^{۳۲} جلوگیری می‌کند برای نمو دندان‌ها و استخوان‌بندی محکم لازم است و در روغن کبد ماهی، تخم مرغ، شیر یافت می‌شود.

۲۹- بری‌بری از بیماری‌های منفور است که باعث ایجاد تورم عضلات و اختلالات عصبی است.

۳۰- پلاگر عبارت است از ضایعات جلدی و التهاب شدید اعضاء بدن است، (اطلاعات عمومی) و اعلام کتاب علم و زندگی

۳۱- اسکوریوریت عبارت است از خونریزی لته‌ها و بینی و تورم اعصاب (کتاب علم و زندگی)

۳۲- راشی‌تیس یا نرمی استخوان مرضی است که تظاهرات آن بیشتر در استخوان‌بندی بدن است و باعث فلج دست و پا می‌شود.

۹- ویتامین ک (K)

ویتامین ک (K) از نازائی جلوگیری می کند و در سبزی، تخم مرغ، گوشت و عموم غلات وجود دارد.

ویتامین ک مدت انعقاد خون را تقلیل می دهد و در بیشتر اغذیه وجود دارد.^{۳۳}

پس نتیجتاً ما به دست آوردیم که اغلب امراض که موجب فرسودگی بدن می شود بر اثر کمبود این مواد غذایی است و با تامین آن به طور صحیح و کامل بدن دچار پیری و فرسودگی نمی شود و برای همیشه به حالت جوانی باقی می ماند.

دکتر گیلوردهاوزر D.Gilord Havzer آمریکایی می نویسد. امروز علم پزشکی به کمک علم تغذیه قیود و حدود عمر را از سر راه بشر برداشته و ما امروز بر خلاف اجداد و پدرانمان می توانیم امیدوار باشیم که بتوانیم عمر طولانی بکنیم.^{۳۴}

پروفسور پشس P.Pechs از دانشمندان بزرگ فرانسوی است کتابی نوشته است که به فارسی ترجمه شده به نام (امید به یک زندگی طولانی) در آن کتاب این آقای پروفسور می نویسد بشر می تواند با استفاده از مواهب طبیعی و قدرت تمدن خویش زندگانی طولانی تری داشته باشد. و به عبارت دیگر پیری را چندین سال عقب بیندازد.

اصولاً عاملی که باعث قطع رگ حیات و زندگی افراد می شود یا عبارت از آفات و میکروبهایی است که به سلامتی بدن صدمه می زند و یا عبارت از نقصانی است که در مواد

۳۳- کتاب علم و زندگی

۳۴- کتاب گذرنامه برای زندگی نوین (صفحه ۱۴۴)

اولیه زندگی (غذا-خواب-هوا-مسکن) پدید می‌آید و اگر غذا و هوا خواب و حرکت لازم برای بدن طبق برنامه صحیح تامین گردد، فنا و مرگ برای انسان معنی نخواهد داشت. در اینجا برای روشن مطلب مواد اولیه‌ای که مورد ضرورت حیات انسان است از نظر تغذیه بیان شد و سایر احتیاجات حیاتی انسان را نیز بیان می‌کنیم و آفاتی که سلامتی بدن را در مخاطره قرار می‌دهند شرح می‌دهیم.

هوای لازم

یکی از چیزهایی که مانع فرسودگی قوا و اعصاب انسان است هوای سالم و آزاد می‌باشد. اولین و آخرین ماده‌ای که تن از بیرون می‌گیرد، هوا است که یک پنجم آن اکسیژن است و در حدود ۶۰۰ میلیون سلول ظریف ریوی به آن مستقیماً مربوط است.

اکسیژن در ریه سوخته خون را تصفیه می‌کند و **انیدرید کربنیک** که گاز سمی است به خارج می‌دهد این گاز از هوا سنگین‌تر است.

در ایتالیا در ناپل **Napell** غاری است معروف به غارسگ مردم در آن آمد و شد می‌کنند اما هنگامی که سگ وارد می‌شود می‌میرد عده‌ای خیال می‌کردند در آن غار ماده ایست که سگ را مسموم می‌کند اما پس از چندی فهمیدند که اگر انسان خمیده وارد غار شود مسموم می‌شود. پس از تجربه‌های لازم به دست آمد که در ته غار گاز کربنیک جمع شده است.^{۳۵}

۳۵ و ۳۶- کتاب عمر دراز- پروفیسور پی‌بلز

روی همین جهت می‌گویند باید از جاهای پرجمعیت اجتناب کرد و در آن سکونت ننمود، زیرا کربنیک آن زیاد است و روی همین حساب افراد دهاتی عمرشان درازتر از افراد شهری است زیرا آنها در محیط‌های خلوت و بی‌جمعیت که هوا خالی از کربنیک است زندگی می‌کنند و بدین جهت دستور داده شد که از استعمال چراغ‌های نفتی خودداری شود زیرا یک چراغ نفتی معمولی شبانه ۲۲۶۵ سانتیمتر مکعب از این گاز می‌سازد.

هر نفر روزانه به ۹۰۰ لیتر هوا نیازمند است که سنگینی وزن آن ۱۲۵۰ گرم است و این سه برابر خوراک و آب یک روزه انسان است.^{۳۶} و برای اینکه مقدار لازم از هوای اکسیژن‌دار وارد بدن شود.

انسان بایستی وضع مسکن و لباس خود را مرتب کند محل سکونت او اعم از منزل و مغازه یا حجره و یا اتاق اداره باید طوری باشد که مورد جریان هوا قرار بگیرد حتی اگر محل سکونت یک منفذ بیشتر نداشته باشد باید آن منفذ را به دو قسمت تقسیم کند که از یک قسمت هوا داخل و از قسمت دیگر هوا خارج شود.

وضع لباس هم باید طوری باشد که هوا کاملاً به پوست بدن برسد. خوابیدن در هوای آزاد با بدن برهنه و بدون لباس بسیاری از بیماری‌های عصبی و التهابات ریوی را از بین می‌برد. در هوای آزاد خوابیدن نشاط بدن و نیروی پوست را زیاد می‌کند.

دکتر میلث D.Milth مدت چند سال بود که بیماران سل را به وسیله خوابیدن در هوای آزاد

معالجه می‌کرد.^{۳۷}

پس از جنگ استرلینز سیصد زندانی روسی را در زیرزمین تاریک زندانی کردند. پس از چند ساعت دویست و شصت تن از آنان به واسطه فقدان هوای سالم مردند.^{۳۸}

تهویه بدن از دو طریق است. یکی از طریق تنفس که هرکس در سال هفت میلیون بار نفس می‌زند و سه هزار و پانصد لیتر خون را تصفیه می‌کند.

نفس باید عمیقاً در تحت نظم خاصی درآید. اولاً انسان بایستی سعی کند تنفس او عمیق صورت گیرد. و بسیار بطیئی و از طریق بینی باشد انسان هر دقیقه باید سه نفس بکشد.^{۳۹}

ورزش عضله ریه‌ها را برای تنفس عمیق باز می‌کند انسان باید در جایی که می‌خواهد حتی‌الامکان اطاق تنها باشد. و بایستی از خوابیدن با چند نفر در یک اطاق خودداری کرد.

چوپانان سوریه مدتی پیش فهمیدند که اگر عده زیادی دام را نزدیک یکدیگر بخوابانند تندرست نخواهند بود.

در میان بشر نیز چنین است اگر چند نفر در یک اطاق بخوابند بدن سالمی نخواهند یافت.^{۴۰}

طریق دوم تهویه از راه پوست بدن است که همواره بایستی هوا به پوست بدن برسد و لذا بایستی از پوشیدن لباس‌های تنگ که مانع از جریان هوا در پوست بدن می‌شود خودداری کرد.

برهمنان هندی پیش از پوشیدن لباس آن را کاملاً تکان می‌دهند تا هوا بخورد و شاید این یکی از ادله تندرستی آنان باشد.

۳۸- کتاب عمر دراز- پروفیسور پی بلز

۳۹- اطاله العمر- نشریه الهلال

۴۰- کتاب عمر دراز- پروفیسور پی بلز

خواب لازم

خواب همانند خوراک و غذا برای بدن لازم است. بیماری‌هایی که از کمبود خواب عارضه می‌گردد کمتر از بیماری‌هایی نیست که از کمبود غذا عارض می‌شود.

در سال ۱۸۷۹ شش تن از دانشجویان دانشگاه آلمان خواستند که یک هفته نخوابند نه تنها نتوانستند بلکه دو تای آنها به بیماری روانی گرفتار شدند و مردند.

سه تن دیگر به علت آسیب‌ها پئی ناچار شدند درس را ترک کنند. نفر ششم نیز ناتوان و رنجور ماند زیرا کم خوابی پی‌ها را سست می‌کند و نیروی جوانی را از بین می‌برد.^(۱)

البته طرز خوابیدن هم دستور دارد.

پروفسور پی‌بلز می‌گوید سوزن مغناطیسی لرزانی که بر روی پایه‌ای استوار باشد به امتداد شمال و جنوب می‌ایستد این موضوع را دریانوردان به خوبی می‌دانند

زیرا با قطب‌نماهای کوچک و بزرگ جهان را معین می‌کنند زمین میدان مغناطیسی است و تن انسان چون آن سوزن لرزان است.

پس باید چنان خوابید که سر به شمال و پا به جنوب باشد اشخاص حساس به خوبی می‌فهمند اگر سویی به جز جهت عقربه مغناطیسی بخوابند به سر درد مبتلا می‌شوند.^{۴۱}

اگر این حقیقت را پزشکان مترقی امروز پس از تجربیات زیادی درک کرده‌اند، اسلام عزیز ما در چهاردهم قرن پیش از این واقعیت پرده برداشت و در ضمن احکام خود به پیروانش دستور

داد.

۴۱- کتاب عمر دراز- پروفسور پی‌بلز

هنگام خوابیدن مستحب است روبه قبله بخوابند حرکت لازم

انسان برای اینکه عمر طولانی کند بایستی در حرکت و سکون خود تعادل را حفظ کند یعنی موقع کار کردن به هر شغلی که مشغول است به حدی کار کند که خسته نشود چون در موقع کار انسان یک عضو مخصوص او به کار مشغول بوده، مثلاً چشم او کار می‌کرده یا دست یا پای او یا قوای مغزی و فکری او لذا برای اینکه حرکت در جمیع جوارح به طور متعادل قرار بگیرد.

باید در هر روی یک ساعت به ریاضت جسمی از قبیل دویدن راه رفتن، کوهنوردی و امثال ذلک اشتغال یابد و در مقابل حرکت استراحت برای بدن هم لازم است.

فردریک کبیر Fordrrik kabir می‌گوید وقتی در ساختمان بدنی انسان دقت کنیم می‌فهمیم که قابلیت ما برای اینکه پیوسته در گردش و حرکت باشیم بیشتر است تا اینکه در ردیف علما و دانشمندان قرار بگیریم.^{۴۲}

پس با این حساب اگر کسی به اندازه لازم مواد غذایی او تامین بشود و به طور کامل در معرض جریان هوای آزاد و سالم و طبیعی واقع شود و خواب و استراحت او با برنامه کامل انجام پذیرد و حرکات شبانه‌روزی او متعادل باشد، قهرا عادی و طبیعی است، که دچار پیری و فرتوتی نخواهد گردید و همیشه به حال جوانی باقی خواهد ماند.

البته در صورتی که سموم و آفات هم در او به جود نیابند.

۴۲- کتاب دستورات عملی برای درازی عمر (دکترهوفلاند)

سموم بدن

بزرگ عامل پیری و فرسودگی بدن انسان عارض شدن سموم و آفات است، که مهم‌ترین آنها میکروب‌های متنوع می‌باشد. که وارد شدن خود در بدن انسان را به انواع امراض و بیماری‌های گوناگون دچار می‌سازند.

صرفنظر از میکروب سموم دیگری هم موجود است که با عارض شدن آنها زوال حتمی نصیب بدن می‌گردد.

یکی از آنها مطلق مشروبات الکلی است که ضعف عمومی در اعصاب ایجاد می‌کند. **الکلیستی** بدن را آماده قبول امراض و بایی می‌گرداند.^{۴۳}

یکی دیگر از سموم بدن دخانیات است. توتون علاوه بر کثافتی که دارد غشاء حلق را می‌خشکاند، رشته پی‌ها را سست و زندگی را کوتاه می‌کند.^{۴۴}

هنگامی که پزشکی به بالین مارک تارن Mark taren در بیماری مرگش حاضر شد مرض او را از آسیب‌های دودی شناخت و هفته بعد بیمار مرد.

بیماری سرطان ژنرال گرانت هنگامی که کشنده شد که غشاء حساس حلق و دهانش با دود سیگار آغشته گردید.^{۴۵}

یکی دیگر از سموم بدن **ترس و وحشت** است. که منتج به زوال شخص می‌گردد.

۴۳- اطاله العمر - نشریه الهلال

۴۴- کتاب عمر دراز- پروفیسور پی‌بلز

۴۵- کتاب عمر دراز- پروفیسور پی‌بلز

یک نفر انگلیسی می‌گوید ترس از؟؟ نیست که قابل مقام شامخ بشریت باشد کسی که ترسید باید خود را از ردیف انسانیت خارج بداند.^{۴۶}

یکی دیگر از سموم بدن که موجب زوال بدن می‌شود **غم و اندوه** بسیار است و نیز ترس از مرگ از سموم بدن به شمار می‌رود.

شیلر Shiler شاعر و مورخ آلمانی می‌گوید: آزاد و سعادت‌مند کسی است که بتواند مرگ را در مقابل خود بدون ترس و لرز ببیند.^{۴۷}

خلاصه مطلب این شد که اگر تمامی این خصوصیات در باره فردی رعایت شود، برای همیشه بدن او در دنیا باقی است و اگر به یک عارضه ناگهانی از بین نرود روی حساب طبیعی و عادی مخلد خواهد ماند.

پروفسور هنری اسمیس P.Honari Esmts می‌گوید: حد و حصر سن و عمر مانند دیوار صوتی است و همچنان که دیوار صوت امروز شکسته این دیوار نیز روزی خواهد شکست.^{۴۸}

مراقبت برنامه صحیح در وضع غذا و هوا و خواب و حرکت و دفع آفات نه تنها شخص را از مرگ و فنا نجات می‌بخشد، بلکه پیری و فرسودگی و ضعف هم بر بدن عارض نمی‌شود و اصولاً پیری و فرسودگی یک سیر طبیعی بدن نیست بلکه مرض است و مانند سایر امراض بر بدن عارض می‌شود و قابل معالجه است.

۴۶ و ۴۷- کتاب دستورات عملی برای درازی عمر (دکترهوفلاند)

دانشمند روسی به نام آلكساندر آه. بو. گومولتز **Alecsander Ahbogu moultez** كه طبيب مخصوص استالين بود مي گويد: پيري را مي توان با معالجه و مواظبت مثل امراض ديگر درمان كرد زيرا ما عادت كرده ايم در مقابل پيري دست روي دست بگذاريم و آن را امر طبيعي و يا واقعه غير مترقبه و پيشرس بدانيم.^{۴۹}

برخي از اطباء و دانشمندان در اين فكر بوده و هستند كه اگر بتوانند اصولاً مرض پيري را پس از عارض شدن درمان كنند.

يكي از جرايد تحت عنوان (سرم ضدپيري ساخته شده) مي نويسد:

دكتر ينهانس **Ienhans** كه در سوئيس زندگي مي كند معتقد است كه داروي ضدپيري را كشف كرده. دكتر ينهانس مي گويد: از بيست هزار آزمايش كه او در زمينه سرم مخصوص ضدپيري خود انجام داده هيچ کدام با شكست مواجه نشده است.^{۵۰} به هر حال طول و عمر و زندگي دراز از نظر هيچ عقل و فكري امر خارق العاده نمي باشد و نمونه آن را ما هر روز در صفحات جرايد و مجلات مشاهده مي كنيم خبرنگاران از گوشه هاي ممالك اطلاع مي دهند.

پيرمردي صد و چند ساله يا دويست ساله پيدا شده و عكس او را مورد ملاحظه خوانندگان واقع مي سازند، با اينكه در اين زمان بر اثر كثرت حوادث و عوارض فنا و نابودي عمرهاي معمولاً خيلي كم شده است و بنا بر آنچه كه تاريخ زندگي بشر به ما نشان مي دهد.

۴۹- گذرنامه براي زندگي نوين صفحه ۱۸

۵۰- اطلاعات ۲۰ مه ماه ۱۳۴۴

در دوران‌های گذشته افرادی میز بسته‌اند که آنها بالاتر از سیصد و پانصد بلکه به سر حد هزار می‌رسیده. از قبیل ذوالقرنین که معروف است سه هزار سال در دنیا عمر کرد. و ضحاک معروف است دوهزار سال عمر کرده است. و ادريس پيغمبر که نیز نهصد و شصت و پنج سال عمر کرد.^{۵۱} و غیر ذالک از افرادی که اسامی و شرح زندگی آنها بر طبق مدارک قطعی در کتب مفصل تاریخ نگاشته شده است.

پس با این کیفیت اگر شیعه ادعا کند که دوازدهمین جانشین پیغمبر اسلام و خاتم امامان دوازده گانه سنه ۲۵۵ هجری که متولد شده تا هنم اکنون هزار سال و اندی می‌گذرد در دنیا باقی و پایدار است گزاف نگفته و امری غیرعادی نکرده است و این طول زندگی از نظر قواعد طبیعی و عادی خقلت و آفرینش هیچ بعدی ندارد، تا روزی که خدایش اراده فرماید. قدم به عرصه ظهور و قیام گذارده حاکمیت حق و عدالت را در سراسر عالم برقرار سازد.

موضوع طول عمر حضرت بقیه‌الله ارواحنا له الفداء بسیار روشن و بدیهی است و در ناموس خلقت و آفرینش یک امر عادی محسوب می‌شود جای بسی تاسف است که یک عده مردمان مغرض حس کینه و غرض‌ورزی آنها به حدی رسیده است که افکار روشن اجتماع و حس بصیرت مردم را نادیده گرفته با کمال وقاحت و بی‌شرمی این سلسله حقایق علمی روشن و مبرهن را انکار نموده و به باد مسخره و استهزاء می‌گیرند.

۵۱- بحار جلد سیزدهم، نقل از تورات

دشمنان اسلام و جهان تشیع با خود می‌اندیشند هر اندازه بر ترقی عالم افزوده گردد آنها بهتر می‌توانند در عقاید و ایده‌های مذهبی ملت شیعه رخنه وارد کنند ولی غافل از اینکه پیشرفت دانش ریشه‌های عقاید دینی را در دل‌ها محکم‌تر می‌کند و ترقی مسائل علمی روز حقایق مذهبی را روشن‌تر و اساسی‌تر جلوه می‌دهد.

اخیراً وضع دنیا و اجتماع ما طوری شده است که هر شخصی مغرض و بیگانه پرست و مزدور اجانب که می‌خواهد آرمان شوم خود را به بدبخت کردن ملت بیگانه‌ی عملی کند.

ابتداءً سنگ دلسوزی به سینه می‌کوبد در سال‌های اخیر در محیط کردستان مردی بهمرسیده است که سابقه سوء او از نظر خیانت به آب و خاک و ملت این کشور مورد توجه عموم روشن‌اندیشان این آب و خاک قرار گرفته به نام (مردوخ کردستانی) این جرثومه ننگین فرد حساس ستون پنجم بیگانگان محسوب می‌شود و در واقعه شهریور ۱۳۲۰ مقالاتی را به نفع بیگانگان و متصرفین مرز و بوم عزیز ما منتشر می‌کرد و در انقلابات بعدی هم در اغتشاشات کشور سهم به‌سزایی داشته است. کتابی نوشته به نام **ندای اتحاد** همچون گرگی درنده در لباس میش شیرده خواسته است از تحت عنوان مقدس اتحاد و یگانگی علت بی‌گناهی مسلمانان را بصوب نفاق و عدالت سوق دهد.

نکات انحرافی که این مرد در آن کتاب متعرض شده است زیاده از آن است که در این جزوه مختصر بخواهم عنوان کنم و در آن‌باره اظهار نظر بنمایم فقط آن مطلبی را که مربوط به موضوع مورد بحث ما است از آن کتاب عنوان می‌کنم.

این مرد در این کتاب تا آنجا که قلم خرافی و شکسته‌اش استعداد داشته است نسبت به مقدسات شیعه اهانت نموده است از هر نوع دروغ و اتهام و گفتار ناروا نیست به جهان تشیع خودداری نکرده است.

مردوخ و راز طول عمر امام زمان^(ع)

این مرد خرافی کثیف در صفحه ۲۶ این کتاب در مقام انکار وجود مقدس حضرت بقیه‌الله ارواح‌العالمین له الفداء مطالب خرافی فوق‌العاده‌ای می‌نگارد تا اینکه موضوع طول عمر امام زمان^(ع) را مورد استهزاء قرار داده و با کمال وقاحت و بی‌شرمی می‌گوید:

«امام هزار و دویست ساله قادر به حرکت نیست و کاری از او ساخته نخواهد بود»

بر عموم افراد فهمیده صرفنظر از طبقه دانشمند و دانشجو مطلب محرز است که این بیان تنها از روی یک سلسله اغراض نفسانی بوده و مخالف قواعد طبیعت و آفرینش است این سخن اگر در دوسه قرن پیش آن هم در جنگ‌های آفریقا برای یک مشت انسان‌های آدمخوار گفته می‌شد ممکن بود از نظر آنان مورد پذیرش قرار بگیرد.

ولی در قرن طلایی برق و بخار و عصر موشک و تسخیر فضا در دورانی که آلکسیس کارل (A.Karll) مرغ را تا سی سال در لابراتوار خود نگه می‌دارد تا این سخن پوژ و بی‌مغز به کلام دیوانگان شبیه‌تر است.

اگر خواسته باشیم شخص آقای مردوخ را تبرئه کنیم و او را فرد مغرض و بیگانه‌پرستی نشناسیم والا معلوم است که نشر دادن این سنخ مطالب از روح نفاق و دوئیت این مرد دور از شئون انسانی حکایت می‌کند.

جای تعجب است که این آقا خودش را رهبر مذهبی یک عده برادران اهل سنت ما می‌خواند و حال اینکه نه تنها ملت شیعه بلکه جهان تسنن هم از یک چنین فرد پلیدی متنفر است موضوع طول عمر امام زمان و مهدی موعود اسلام مورد تایید دانشمندان اهل سنت می‌باشد.

دنیای عامه و دیر زیستن ولی عصر^(ع)

اوعبدالله فقیه: محمدبن یوسف گنجی شافعی که یکی از دانشمندان بزرگ اهل سنت است کتابی نوشته است به نام کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان در آخر باب ۲۰ نوشته است.

ان المهدي ولدالحسن العسكري فهو حي موجود باقی منذغیته الی الان و لامتناع فی بقاءه بدلیل بقاء عیسی والخضر والیاس علیهم السلام.

به درستی که مهدی موعود اسلام پسر امام حسن عسکری علیه السلام پس او موجود است و باقی است در جهان از ابتدای غیبتش و از نظر قوانین طبیعت امتناع در بقاء او نیست همچنان که پایدار ماندن عیسی و خضر و الیاس پیغمبر ممتنع نمی‌باشد و تا کنون بیش از یکصد و پنجاه روایت درباره ظهور و ولادت و معرفی مصلح موعود از طریق عامه از پیغمبر نقل شده است.

یکی از کتاب‌های با اهمیت اهل سنت صحیح ابی داود است که از ارکان و اصول کتب عامه محسوب می‌شود در آن روایات مختلفی درباره ظهور امام زمان^(ع) و اینکه آن جناب فرزند امام حسن عسکری^(ع) است نقل شده است.

محمدبن طلحه شافعی از علمای بزرگ عامه در کتاب مطالب السؤل صفحه ۲۹۳ درباره خصوصیات امام زمان نگاشته است و در آن باب سه روایت از صحیح ابی داود از پیغمبر اکرم روایت می‌کند:

۱ - عن ابی سعید الخدری قال سمعت رسول الله صلی اله علیه و اله المهدی منی اجلی

الجهه اقی الانف یملا الارض قسط و عدلا کما ملئت ظلما و جورا

(ابا سعید خدری که یکی از صحابه رسول الله است می‌گوید از پیغمبر اکرم شنیدم که فرمود مهدی از اولاد من است صورتش گشاده و بینی وی باریک است زمین را پر از عدل و داد می‌کند همچنان که مملو از ظلم و جور شده باشد)

۲ - عن امیرالمومنین^(ع) قال الرسول^(ص) لو لم یبق من الدهر الا یوم واحد لبعث الله رجلا من

اهل بیتی یملاها عدلا کما ملئت جوراً

مولای متقیان امیرالمومنین نقل می‌کند از پیغمبر اکرم که آن جناب فرمود اگر از عمر عالم باقی نماند مگر یک روز، در همان یک روز خداوند مردی را از فرزندان من برمی‌انگیزد که زمین را پر از عدل کند همچنان که پر از جور شده است.

۳ - عن ام سلمه قالت سمعت رسول الله^(ص) یقول المهدی من عترتی من ولد فاطمه^(س)

ام سلمه که همسر رسول خداست از پیغمبر نقل می کند که حضرتش فرمود مهدی موعود و معهود اسلام از اولاد فاطمه سلام الله علیها است.

شیخ سلیمان حنفی در باب ۷۰ کتاب ینابیع الموده از اخطب خطبای خوارزم نقل می کند که در روز خیبر هنگامی که پیغمبر اکرم^(ص) هدایت ارتش اسلام را به دست مولی الموحدین^(ع) سپرد بیاناتی درباره شخصیت امیرالمومنین ایراد فرمود و در خاتمه این جملات بر زبان دربار رسول اکرم^(ص) جاری شد.

یا علی اتق الضغائن التي هي في صدور من لا يظهرها الا بعد موتي اولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللاعنون ثم بكي صلي الله عليه و آل وسلم و قال اخيرني جبرئيل انهم يظلمونه بعدى و ان ذلك الظلم يبقی حتى اذا قاتمهم و علت كلمتهم و اجتمعت الامه على محبتهم و كان الثاني لهم قليلا و الكاره لهم ذليلا و كثر المادح لهم و ذالك حين تغيرت البلاد و ضعف العبادو و الياس من الفرج فعند ذالك يظهر قائم المهدي من ولدی يقوم يظهر الله الحق بهم و يخمد الباطل باسيافهم ويتبعهم الناس راغبا اليهم او خائفا- ثم قال معاشر الناس ابشروا بالفرج فان و عدالله حق لا يخلف و قضائه لا يردو هوالحكيم الخبير و ان فتح الله قريب (يا علی پرهیز از کینه‌هایی که در درون سینه‌ها نهفته شده است و آنها را ظاهر نمی‌کند مگر پس از من این مردمان کینه‌توز مورد طرد دستگاه کبريایی قرار گرفته و از نظر افکار عمومی مورد تنفرند).

سپس پیغمبر اکرم مقداری بر آینده فلاکت‌بار ملت اسلام و بر مظلومیت عزیزان خود گریست.

آنگاه فرمود:

پیک وحی جبرئیل امین به من خبر داده است که یگانه یاور فداکار و برادر عزیزم علی^(ع) پس از من مورد ظلم و بیدادگری ستمگران قرار خواهد گرفت و بیدادگری و ظلم ادامه دارد تا آن روزگار درخشنده‌ای که قائم اهل البیت من قدم به مرحله نهضت گذارد و شخصیت فرزندانم را بالا برد و امت اسلام بر دوستی خاندانم اجتماع کنند و دشمن فرزندانم کم و ذلیل و دوستانشان بسیار گردد.

این روز فرخنده مسعود در آن وقت و هنگامی فرا می‌رسد که وضع شهرها تغییر پذیرد و بندگان صالح خدا در چنگال زور ستمگران ضعیف شوند و از روزگار خوش‌وقتی و فرج خود نومید گردند.

در یک چنین موقعیتی مهدی موعود که از فرزندان من است در صفحه گیتی ظاهر می‌گردد و با پیدایش وی خداوندگار مهربان حق را پدیدار و با نیروی جنگنده و شمشیرهای برنده پیروانش باطل را منکوب می‌سازد و اجتماع دنیا چه را غبا و چه خائفا سر در خط فرمان ملت مسلمان در میاورند. سپس فرمود: «اعلام به شما ای جمعیت اسلامی مژده باد شما را به چنین روز فتح و پیروزی»

پیمان پروردگار حق است و خلاف ندارد و خواسته الهی قابل رد نیست او حکیمی است که نسبت به جمیع امور عالم خبیر است و پیروزی خدا نزدیک می‌باشد.

رسول اکرم^(ص) در این بیان ارجدار خود به کینه‌های نهفته در اندرون مردمان پلیدی که از صدر اسلام تا کنون در دنیا وجود داشته‌اند و در هر عصر و زمانی به یک ترتیب ساحت مقدس رهبران دینی را مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند اشاره می‌کند و بدان‌ها اعلام خطر می‌فرماید که

بدانند این جنایت و اهانت آنها به دستگاه مقدس ولایت ادامه نخواهد داشت و ناگهان بزرگ
منتقم ملکوتی از افق جهان طلوع کرده و به بیدادگری‌های آنها خاتمه خواهد داد.

ما هم از بیان بزرگ رهبر عظیم‌الشان اسلام رسول الله اکرم به افراد ناشایست و افکار آلوده‌ای
که در زوایای اجتماع امروز وجود دارند از قبیل مردوخ‌ها اعلام خطر می‌کنیم؟ که؟ هشیار بیدار
ناگهان عظیم‌ترین انسان ملکوتی از پس ابر غیبت ظاهر می‌گردد و هویت پلید یک چنین
افرادی را در جبین آنها می‌خواند و بلافاصله آنان را به عقوبت اعمال ناشایست و به جزای
افکار آلوده و بیانات ناروای‌شان خواهد رسانید.

واقعا جای بسی خوش‌وقتی است که در اجتماع امروز ما جوانان عزیز مسلمان و فرزندان
ارجمند اسلام آنچنان متوجه و بیدا هستند که بیانات موهوم مردم مغرض کوچکترین رسوخی
در افکار مقدس آنان نخواهد کرد خوشبختانه پیشروی علم و دانش ریشه عقاید اسلامی و
تشیع را در قلوب جوانان عزیز ما راسخ‌تر ساخته است به طوری که هر نوع دزد و راه‌زنی
نتواند گوهر گران‌مایه ایمان آنان را بر بیاورد و امید است هرچه بر پیشرفت علم و تمدن دنیا
افزوده گردد حقایق مقدس اسلام تابناک‌تر در دنیا جلوه کند و بر اثر نیروی شهادت و دلاوری
جوانان عزیز مسلمان جهان اسلام ملیت از دست رفته خود را حائز گردد.

مژده به شما جوانان عزیز جعفری مذهب و فرزندان رشید امام جعفر صادق^(ع) که شخصیت
معنوی شما مورد تقدیر شاه مردان و مولای متقیان علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام قرار گرفته
است آن هنگامی که بر فراز منبر مسجد کوفه در مقابل اجتماع عظیم مسلمان آن روز شخصیت
شما را معرفی فرمود و اظهار داشت آنانی که در دوران غیبت ولی امر در راه دفاع از حریم

مقدس اسلام و تشیع فداکاری می کنند عزیزترین فرزندان اسلام محسوب می شوند حضرتش با بیان رشیق خود چنین اعلام داشت:

اللهم و انی لاعلم ان العلم لایارز کله و لاینقطع مواده، و انک لاتخلی ارضک من حجه لک علی خلقک ظاهر لیس بالمطاع، او خائف مغمور، وکیلا تبطل حججک ولا یضل اولیاؤک بعد اذهدیتهم بل اینهم؟ وکم؟ اولئک الاقلون عددا، والاعظمون عندالله جل ذکره قدرا، المتبعون لقاده الدین الائمہ الهادین الذین یتادبون بأدابهم و ینهجون یهجم فعند ذلک یهجم بهم العلم علی حقیقه الایمان فتستجیب ارواحهم لقاده العلم و یتلینون من حدیثهم ما استوعر علی غیرهم و یانسون بما استوحش منه المکذبون و اباه المسرفون اولئک اتباع العلماء صحبوا اهل الدنیا بطاعه الله تبارک و تعالی و اولیائه و دانوا بالتقیهمن دینهم و الخوف من عدوهم فارواحهم معلقه بالمحل الاعلی فعلمائهم و اتباعهم خرس صمت فی دوله الباطل منتظرون لدوله الحق و سیحق الله الحق بکلماته و یمحق الباطل، ها، ها طوبی لهم علی صبرهم علی دینهم فی حال هدنتهم و یا شوقاه الی رؤیتهم فی حال ظهور دولتهم و سیجمعنا الله و اياهم فی جنات عدن و من صلح من آبائهم و ذریاتهم

بار خدایا من علی بن ابی طالب می دانم که علم تمامش در هم پیچیده نمی شود و رشته دانش قطع نخواهد گردید و تو آن خداوندگاری هستی که هیچ گاه زمین را از حجت خود خالی نخواهی گذاشت، مسلم است حجت خود را بر صفحه خاک ثابت خواهی داشت اگر چه در حال ظهور مورد اطاعت مردمان قرار نگیرد یا خائف باشد و در پس ابر غیبت نهان شده باشد.

بدین منظور هم که شده است خدایا حجت را در زمین باقی خواهی گذارد. که دوستانت پس از هدایت و ارشاد گمراه نشوند و چه قدرند؟ آن جمعیت اندکی که قدر و منزلشان در نزد خدا بسیار بزرگ است.

آنها کسانی اند که از رهبران دین پیروی کرده‌اند و مودب به ادب آنها گشته‌اند و بر طریق و روش آنان راه پیموده‌اند بر اثر حقیقت تابنده ایمان خود مراتب علم به آنان تهاجم کرده است و در عالم ارواح روان‌های تابناکشان دعوت رهبران دینی را پذیرفته است، حقایق مطالبی که در بیان رهبران دینی است و در نظر دیگران بسیار مشکل و بعید جلوه می‌کند از نظر این مردان مکتب ولایت بسیار ساده و درعین حال با عظمت تلقی می‌شود.

با آن سلسله مطالبی که مردمان مکذب و افراطی از شنیدن آن استیحاخ می‌کنند اینان مانوسند. (یعنی مردمان بی‌عقیده و دور از معنویت که خود را روشنفکر می‌خوانند از شنیدن بعضی خوارق عادت و معجزات نسبت به ائمه اطهار استیحاخ می‌کنند ولی افرادی که تحت پیروان رهبران دین افکار و دل‌هایشان به انوار مقدسه توحید و شناسایی مقام شامخ ولایت منور شده است با این سلسله مطالب مانوسند و مقام پیشوایان خود را بالاتر از این می‌دانند که این حقایق و بالاتر از آن را درباره آنان انکار نمایند.

به‌به خوشا به حال این جمعیت با آن صبری که در راه حمایت از حریم مقدس دین در پرتگاه مخطور تحمل می‌کنند، و چه قدر مشتاقم به دیدار آنان در حال ظهور دولت‌شان به زودی در بهشت برین با آنان مصاحب خواهم بود.

اعتقاد به وجود مقدس امام غائب و انتظار فرج آن حضرت گذشته از اجر و ثواب اخروی از نظر تصفیه اجتماع نیز بسیار موثر می‌باشد.

زیرا وقتی اجتماعی چنین عقیده و ایمان داشت که شخصیتی ملکوتی که قدرتش فوق همه قدرت‌هاست ناگهان ظهور می‌کند و هویت هر فردی را از جبینش می‌خواند و همان‌جا امر را فیصله می‌دهد این جامعه در وضع تصفیه اخلاق و تذکیر نوس کوشش بیشتری خواهد داشت و چون به وسیله اما غائب رابطه خود را با خالق برقرار می‌بیند بیشتر متوجه جهات معنوی شده و ناملازمات مادی کمتر روح او را رنج می‌دهد و این سعادت است که تنها نصیب جمعیت شیعه شده و سایر ملل و اقوام جهان از این سعادت محروم می‌باشند چنانچه یکی از مستشرقین فرانسه به نام پروفیسور هانری کربن P.Henry Carben به این حقیقت اعتراف نموده است این دانشمند عالیقدر می‌گوید:

گفتار پروفیسور هانری کربن

به عقیده من مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهیه را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته و به طور استمرار و پیوستگی ولایت را زنده و پابرجا می‌دارد. مذهب یهود نبوت را که رابطه‌ای است میان خدا و خلق در حضرت کلیم ختم کرده و پس از آن به نبوت حضرت مسیح و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اذعان ننموده و رابطه مزبور را قطع می‌کند و همچنین نصاری در حضرت مسیح واقف شده و اهل سنت از مسلمین نیز در حضرت محمد^(ص) وقوف کرده و با خاتم نبوت در ایشان دیگر رابطه‌ای میان خالق و

خلق موجود نمی‌دانند و تنها مذهب شیعه است که نبوت را با حضرت محمد ختم شده می‌داند ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می‌باشد بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند رابطه‌ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الواهی کشف نماید به واسطه دعوت‌های دینی قبل از موسی و دعوت دینی موسی و عیسی و محمد به واسطه ولایت جانشینان وی زنده بوده و هست و خواهد بود.

او حقیقتی است زنده که هرگز نظر علمی نمی‌تواند او را از خرافات شمرده و از لیست حقایق حذف نماید آری تنها مذهب تشیع است که به زندگی این حقیقت لباس دوام و استمرار پوشانده و معتقد است که این حقیقت میان عالم انسانی و الوهی همیشه باقی و پابرجاست^{۵۲}.

بارالها از تو تمنا دارم هرچه زودتر این خورشید تابنده را از پس ابر متراکم غیبت در عالم پدیدار و ندای آسمانیش را از کنار خانه مقدست به گوش جهانیان برسان.

پایان-شعبان المعظم ۱۳۹۰ هجری قمری